

تحلیل حقوق بشری حق اختراع

میر احمد پارسا منش^۱

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱

کد مقاله: JHVMN-2407-1227

چکیده

نظام های حقوقی در ازای افشای کامل اختراعات توسط مخترع برای مدت زمان محدود برای وی حقوق انحصاری اعطاء میکنند. به این شکل به مخترع اجازه می دهند تا کنترل انحصاری بر اختراعات خود داشته باشند و از کپی کردن، تولید یا فروش، واردات و عرضه برای فروش آن توسط دیگران بدون اجازه جلوگیری کنند. اعطای حقوق انحصاری برای مخترع صرفاً بر اساس ارزش تجاری و اقتصادی نیست بلکه بر اساس اصول حقوق بشری هم قابل توجیه است. مبانی حقوق بشری حق ثبت اختراع موضوع پیچیده و بحث برانگیزی است. از یک سو، اعطای حق اختراع به عنوان راهی برای ایجاد انگیزه جهت نوآوری و ارتقای رشد اقتصادی در نظر گرفته میشود. از سوی دیگر، میتوان آنرا مانع برای برخورداری از برخی جنبه های حقوق بشر دانست. از آنجا که حقوق بشر و حقوق ناشی از ثبت اختراع هر دو به دنبال حداکثر رساندن رفاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند. این پژوهش رابطه پیچیده ای حق اختراع و حقوق بشر را بررسی می کند. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که حقوق بشر در حوزه حقوق ناشی از ثبت اختراع از اهمیت وافر برخوردار است. تردیدی وجود ندارد که حقوق ناشی از ثبت اختراع ابزاری برای تامین منافع اجتماع تلقی می گردد. حقوق بشر نیز از ارزش های بنیادین و مصالح عمومی جامعه حمایت می کند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، اختراع، حق بر سلامتی، حق ملکیت.

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m.parsamanush@modares.ac.ir



مقدمه

حق اختراع عبارت از حقوقی است که قانون به عنوان پاداش برای تلاش پدید آورندگان برای مدت معین در ازای افشای اختراع به مخترع اعطا میکند. تا مخترعان با کنترل انحصاری خود، دیگران را از استفاده یا فروش بدون اجازه جلوگیری کنند.

اگر چه اعطای حق اختراع با ایجاد انحصار همراه است، اما از همان ابتدا وضع قوانین مبنی بر انحصار در حق اختراع، توجه به منافع عمومی جامعه نیز لحاظ گردیده است. چنانچه در قوانین ملی به موازات درج قوانین سخت گیرانه انحصاری و تاکید بر نیروی یک طرفه مالکان اختراع، جامعه از امتیازاتی نظیر استفاده ی خصوصی با اهداف غیر تجاری، استفاده ی تجربی و آزمایشی، صدور مجوز اجباری برای جلوگیری از سوی استفاده ناشی از حقوق انحصاری اعطا شده توسط گواهی اختراع، صدور مجوز اجباری برای کوتاهی در استعمال اختراع یا استعمال غیر کافی و یا در موارد که گواهی اختراع موثر بر یک منفعت عمومی یا حیاتی کشور است، برخوردار بوده است. و عموم می توانند با رعایت شرایط قانونی از اختراع متعلق به دیگری بهره برداری نمایند.

این توجه به منافع عمومی تنها به قوانین ملی محدود نیست و در کنوانسیون پاریس^۱ و موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری (تربیس)^۲ به عنوان منابع اصلی و مادر حقوق و تکالیف مرتبط به حق اختراع وضع گردیده و به موجب آن کشورها قادر هستند با رعایت شرایط مندرج این دو اسناد بین المللی، مقرراتی را به نفع جامعه تدوین نمایند. این مقررات در قالب استثنائات وارد بر حق دارنده اختراع مطالعه میگردد. و قلمرویی را ترسیم می نماید که در آن، جامعه می تواند بدون اخذ رضایت مالک اختراع بهره برد. وضع این استثنائات از مبانی متعدد همچون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوق بشری برخوردار هستند و قانونگذاران با ملاحظات اهداف نسبت به وضع آن اقدام می نمایند.

حقوق مالکیت فکری در ابعاد متعدد در ارتباط با حقوق بنیادین بشر است، نظام ثبت اختراع جهت حفظ تعادل میان نفع صاحبان اختراع و منافع جامعه، ابعاد اجتماعی-اقتصادی حقوق ناشی از ثبت اختراع را به رسمیت شناخته است (Khobragade, 2020:205).

¹ Paris Convention.

² Trade Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPs).



حق بهره مندی از منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی، یا هنری در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. هرچند اعلامیه جهانی حقوق بشر از اصطلاح مالکیت فکری استفاده نمی کند، مسلماً بند ۲ ماده ۲۷ و ماده ۱۵ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را می توان شناسایی کننده حقوق مالکیت فکری به عنوان حقوق بشر محسوب داشت. در برخی معاهدات منطقه ای هم از حق مالکیت به طور کلی نام برده شده^۱ است. چنانچه مالکیت فکری را نوعی از مالکیت به حساب آوریم، می توان آنرا مشمول حمایت این معاهدات دانست.

حقوق بشر و حقوق مالکیت فکری دو حوزه متمایز از هم هستند که تا حد زیادی به طور جداگانه تکامل یافته اند، تمرکز اصلی حقوق مالکیت فکری بر توسعه تدریجی مالکیت فکری از طریق بازنگری دوره ای بر کنوانسیون برن و پاریس و تلاش برای تحکیم هرچه بیشتر ارتباط میان مالکیت فکری و تجارت است. حال آنکه در این میان مسائل حقوق بشر مغفود است. افزایش اهمیت حقوق مالکیت فکری از حمله حق اختراع در سال های اخیر موجب طرح مسئله ارتباط میان حق اختراع با حقوق بشر شده است. نهاد های حقوق بشر حمایت تشدید یافته از حق اختراع را به در تعارض با برخی از هنجار های حقوق بشر می دانند و راه حل این تعارض را در اصلاح و تجدید نظر در نظام بین المللی حق اختراع در جهت همسو کردن آن با موازین حقوق بشری می دانند. از سوی دیگر، طرفداران حمایت قوی از حق اختراع که عمدتاً سازمان های حامی مالکیت فکری هستند، بر آن اند که هنجار های بین المللی حمایت از حق اختراع و حقوق بشر صرفاً تعارض های ظاهری با یکدیگر دارند و نظام بین المللی حمایت از حق اختراع به گونه طرح شده است که نگرانی های حقوق بشر را مرتفع کند و بر این تعارض ها پاسخ دهد.

حال سوال مطرح می گردد که رابطه حقوق بشر با حق اختراع چگونه است؟ آیا حق اختراع یک حق بشری است؟ از اینرو بررسی چگونگی ارتباط حق اختراع با حقوق بشر و مبانی حقوق بشری حق اختراع اهمیت پیدا میکند. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی با مطالعه منابع مرتبط، بر آن است تا چگونگی ارتباط حقوق ناشی از ثبت اختراع با حقوق بشر و توجیهات حقوق بشری حقوق ناشی از ثبت اختراع را بررسی نماید. به همین منظور در قسمت اول، به چگونگی ارتباط حق

^۱ بند ۱ ماده ۲۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۱۴ کنوانسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت ها، و ماده ۱ پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی های بنیادین.



اختراع با حقوق بشر پرداخته می شود. و در قسمت دوم مبانی حقوق بشری حق اختراع مورد تحلیل قرار میگیرد.

۱- رابطه حق اختراع با حقوق بشر

بحث در خصوص ارتباط حقوق مالکیت فکری از جمله حق اختراع و حقوق بشر در سال های اخیر در عرصه ملی و بین المللی مطرح گردیده است. لذا، از سابقه و پیشینه زیادی برخوردار نیست. در گذر زمان عوامل متعدد چون شکل گیری اقتصاد دانش محور (حاجی زاده، کوشا & صادقی، ۱۴۰۱: ۲۸)، تشدید روند جهانی شدن اقتصاد و تصویب موافقتنامه تریپس (مجنده، ۱۳۹۴: ۲۴) در ضمن تاسیس سازمان تجارت جهانی، زمینه ساز بحث ارتباط حق اختراع و حقوق بشر شده است.

تصویب موافقتنامه تریپس در سال ۱۹۹۴ یکی از محل های برخورد نظام حق اختراع با نظام حقوق بشر می باشد. به دلیل تداخل و تعارض که این موافقتنامه در حوزه حق اختراع با مسائل حقوق بشر دارد اولین بحث غیر رسمی در زمینه حقوق مالکیت فکری از جمله حق اختراع با حقوق بشر در پنجاهمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر که به طور مشترک از سوی سازمان جهانی مالکیت فکری^۱ و کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با اشتراک جمع از ندیشمندان و حقوقدانان در ۹ نوامبر سال ۱۹۹۸ برگزار گردیده بود مطرح گردید.

طرح رسمی مسئله ارتباط حق اختراع و حقوق بشر در سطح بین الملل در سال ۲۰۰۰ صورت گرفته است که کمیسیون فرعی ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در قطعنامه ای با نگاهی نقادانه نسبت به موافقتنامه تریپس، بیان میدارد که: «اجرای مفاد تریپس به طور واقعی و بالقوه در تعارض با تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است» بعد از این توجه ویژه به این مسئله صورت گرفت. از دیگر فعالیت های صورت گرفته در زمینه ارتباط حق اختراع و حقوق بشر می توان به بررسی تریپس و بهداشت عمومی توسط کمیساریای عالی حقوق بشر، اعلامیه رسمی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که تاکید بر انطباق حقوق مالکیت فکری با حقوق مدنی میثاق دارد، و گزارش گزارشگر ویژه در خصوص جهانی سازی مبین این امر است که مالکیت فکری اهداف حقوق بشر را تعقب نموده است، اشاره کرد.

با توجه به ادبیات موجود، سه رویکرد گسترده و متمایز را میتوان از رابطه میان حق ثبت اختراع و حقوق بشر شناسایی کرد. در رویکرد اولی، حقوق بشر و حق ثبت اختراع را دو حوزه متمایز از هم

¹ World Intellectual Property Organization (WIPO).



می دانند که گاهی اوقات در تعارض هم قرار میگیرند. در جای که تضاد بین حق اختراع و حقوق بشر به وجود می آید، این این رویکرد مستلزم آن است که ملاحظات حقوق بشر بر حق اختراع برتری داشته باشد. که از این رویکرد به عنوان تعارض حقوق بشر و حق اختراع یاد میکنیم. در رویکرد دومی، حق اختراع و حقوق بشر دو حوزه متمایز که در تعامل با هم هستند، در این رویکرد تمرکز اساسی بر بهینه سازی حمایت از اختراع جهت ایجاد انگیزه برای نوآوری است. در این رویکرد تاکید بر این امر است که حقوق بشر و حق ثبت اختراع هر دو از حقوق اساسی و اولیه بشر می باشند، نباید هیچ کدام از این دو حق بر نفع دیگری از بین برود بلکه باید تلاش کرد که بین این دو تعامل برقرار شود. (شیخی، ۱۳۸۵: ۷۹) در رویکرد سوم، حقوق ناشی از ثبت اختراع را نوع حق بشری در نظر می گیرند. در این رویکرد حق اختراع را نوعی مالکیت در نظر گرفته و به این ترتیب حق بهره مندی از مزایای تولید های علمی را در چارچوب اسناد حقوق بشری مورد حمایت میدانند.

۱-۱- تعارض حقوق بشر با حق اختراع

بحث در خصوص تعارض میان حق اختراع و حقوق بشر بعد از سال ۲۰۰۰ در عرصه بین المللی مطرح گردیده است و لذا، در واقع شکل گیری اقتصادی دانش محور، تشدید جهانی شدن و تصویب موافقت نامه تریپس باعث حمایت های قویتر و موثر از آثار فکری از جمله حق اختراع شد. در نتیجه، پیامد چنین حمایتی نگرانی های در خصوص بر خور داری از حقوق بشر به ویژه برای کشور های در حال توسعه و کشورهای کم تر توسعه یافته به وجود آمده است و در پی مشاهده تعارض هایی در حقوق انحصاری اعطایی توسط نظام حق اختراع با حقوق بشر، نهاد های حقوق بشری پیشنهاداتی برای اصلاح و تغییر قوانین حمایت از حقوق مالکیت فکری در جهت هم نوای با موازین حقوق بشر میدهند. از میان نهاد های بین المللی حقوق بشر که برخورد فعال با مسئله ارتباط حقوق مالکیت فکری از جمله حق ثبت اختراع و حقوق بشر داشته اند: کمیسیون فرعی ملل متحد برای پیش برد و حمایت از حقوق بشر^۱، کمیساری عالی ملل متحد برای حقوق بشر^۲ و کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳ است.

^۱ U.N. Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Right.

^۲ UN High Commissioner for Human Rights.

^۳ Committee on Economic, Social and Cultural Rights.



قطعه‌نامه ۲۰۰۰/۷ کمیسیون فرعی حقوق بشر نقطه ای محوری در طرح بین المللی ارتباط حق ثبت اختراع و حقوق بشر است که یاد آور میشود: «تعارض هایی واقعی یا بالقوه میان اجرایی موافقت نامه تریپس و تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله در ارتباط با موانع انتقال فناوری به کشور های در حال توسعه، آثار و پیامد های حقوق متعلق به گونه های گیاهی و حق اختراع ارگانیزم های اصلاح شده ژنتیکی بر بهره مندی از حق غذا، سرقت بیولوژیکی، کاهش کنترل جوامع بر منابع ژنتیکی و طبعی و ارزش های فرهنگی خود و محدودیت های دست رسی به مواد دارویی ثبت اختراع شده و آثار آن بر حق بر سلامت وجود دارد». این قطعه‌نامه سپس به اصل مسئله چگونگی ارتباط مالکیت فکری و حقوق بشر می رسد و اعلام میدارد: « چون اجرای موافقتنامه تریپس به حد کافی ماهیت بنیادی و غیر قابل تفکیک حقوق بشر، از جمله حق همگان به برخورداری از پیشرفت علمی و کاربردهای آن، حق بر سلامتی، حق بر غذا و حق تعیین سرنوشت را منعکس نمی کند، تعارض های آشکار میان نظام حقوق مالکیت فکری مندرج در موافقت نامه تریپس، از یک سو، و نظام بین المللی حقوق بشر، از سوی دیگر وجود دارد». (Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights, 2000: 28) کمیسیون فرعی حقوق بشر در این بند صراحتاً به تعارض حق اختراع و حقوق بشر اشاره میکند و تأکید بر تفوق و برتری تعهدات حقوق بشری بر سیاست های اقتصادی دارد.

در رویکرد تعارض، نهاد های حقوق بشری ابعاد از حق اختراع را در تعارض با برخی از هنجار های حقوق بشر می دانند. طرفداران این رویکرد با وجود تفاوت های نظری بر دو فرض اساسی اتفاق نظر دارند: ۱. در عرصه بین المللی، نظام حق اختراع در موارد با حقوق بنیادین بشر در تضاد است؛ ۲. در موارد تعارض حقوق بشر باید در اولویت قرار گیرد. (Gold, 2012:3) در بین نهاد های مدافع حقوق بشر، مسئله تعارض حقوق بشر با حقوق ناشی از ثبت اختراع، تقریباً به طور کامل بر تاثیر حق اختراع بر حق حیات و حق سلامت (که شامل حق دسترسی به داروها می شود) متمرکز شده است. به باور طرفداران این رویکرد، حقوق ناشی از ثبت اختراع تاثیر مستقیمی بر حق سلامت دارد، به ویژه در کشور های در حال توسعه و توسعه نیافته که قیمت محصولات دارویی فراتر از دسترس بیماران فقیر است. چنانچه سارا جوسف بیان میدارد: «این میتواند مشکل ساز باشد زیرا کالاهای که برای برخورداری از حقوق بشر ضروری هستند، مانند دارو های جدید، می تواند بالاتر از توان مردم فقیر قمت گذاری شود.» حل تعارض بین حقوق ناشی از ثبت اختراع و حق دسترسی به دارو به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر تنها با تکیه بر اصول داخلی مندرج در نظام ثبت اختراع غیر ممکن است. بنا بر این، بهترین راه حل تعارض بین حق دسترسی به دارو و حق ثبت اختراع، استفاده از هنجار های خارجی مندرج در نظام بین المللی حقوق بشر است. (Kolawole



Oke, 2022:65) دراهوس و براتویت در توضیح این رویکرد بیان میدارند: «در هر نظام حقوقی ملی، حقوق بنیادین بشر برای سلامت، آموزش و حقوق بومیان نسبت به فرهنگ‌هایشان با ابتدا بر ملاحظات فایده گرایی اولویت (تفوق) دارد» (Drahos & Braithwaite, 2002:200). چپمن استدلال میکند که ماده ۲۷(۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۵(۱) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق مخترعان و نویسندگان را به رسمیت شناخته و آن را با حق مشارکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی از مزایای پیشرفت علمی مرتبط میداند. دولت‌ها مکلف‌اند، رژیم‌های حقوق مالکیت فکری را ایجاد کنند که جهت‌گیری صریح با حقوق بشر دارند (Grosheide, 2010:23-24).

حق بر سلامت برای نخستین بار در ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد ذکر گردیده است. یک سال بعد در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، بهره‌مندی از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامتی، یکی از حق‌های بنیادین بشر شناخته شده است و تأکید گردیده که سلامتی ملت‌ها، جهت دستیابی به صلح و امنیت، اهمیت بنیادی دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر هم در ماده ۲۵ به گونه دیگر حق بر سلامتی را مورد شناسایی قرار داده است. در این ماده آمده است: «هرکس حق دارد از سطح یک زندگانی برخوردار باشد که سلامت و رفاه او و خانواده‌اش، منجمله خوراک و لباس و مسکن و رسیدگی‌های پزشکی آنان را تأمین کند. همچنین حق دارد از خدمات ضروری اجتماعی در هنگام بیکاری و بیماری و درماندگی و بیوگی و پیری یا در سایر مواردی که بنا به اوضاع و احوالی بیرون از اراده او وسایل معاش وی مختل گردد استفاده کند...» این حق به طور شفاف‌تر و کامل‌تر در بند ۱ ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چنین تصریح شده است: «دولت‌های طرف این میثاق حق هر کس را به بهره‌مندی از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الحصول به رسمیت می‌شناسند.»

حق بر سلامت در مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی به معنای «وضعیت کامل بهزیستی اجتماعی، روحی و جسمی» تعریف شده است. پس حق بر سلامت عبارت از بهره‌مندی شخص از بهترین حال سلامت فارغ از تفاوت‌های نژادی، مذهبی و سیاسی ... است. حق بر سلامت حوزه‌های گوناگون را شامل می‌شود. حق دسترسی به دارو به عنوان یکی از مصادیق اساسی حقوق بشر در واقع به معنی حق استفاده از دارو مناسب در زمان مناسب با رعایت استاندارد‌ها یا دستورالعمل‌های مدیریت آن بیماری است (فاطمی نژاد، ۱۳۹۷: ۱۲۲). در این میان دسترسی به دارو‌های اساسی اهمیت حیاتی دارد که هم از نظر کیفی استاندارد‌های لازم را داشته و هم از لحاظ اقتصادی در دسترس. واقعیت تلخ که وجود دارد این است که این دسترسی برای بسیاری از نوع



بشر امکان پذیر نیست. با این که عوامل متعدد بر دست رسی به دارو ها تاثیر می گذارند، یکی از عوامل اصلی که در این زمینه در کشور های توسعه یافته و کشور های کمتر توسعه یافته، قیمت بالای این دارو های اساسی می باشد. در برخی موارد هزینه دارو ممکن است برابر پنجاه درصد در آمد سالانه شخص یا بیش از آن باشد و در بعضی موارد، هزینه دارو خارج از توان شخص باشد (حبیبی مجنده، ۱۳۹۴: ۴۰۷).

حق ثبت اختراع برای محصولات دارویی می تواند از فروش داروهای ثبت شده با قیمت های رقابتی در بازار جلوگیری کند و به مالک اختراع این امکان را فراهم میکند که داروی ثبت شده خود را با قیمت های گزاف به فروش برساند. قیمت گذاری داروهای ثبت شده خارج از دسترس بیماران فقیر در کشورهای در حال توسعه و کشور های کمتر توسعه یافته، می تواند بیماران فقیر را در این کشورها فقیرتر کند و این امر همواره چرخه مرگبار فقر و بیماری را تداوم می بخشد (Kolawole, Oke, 2022:4). در موارد که حقوق ناشی از ثبت اختراع حقوق اساسی بشر را (به ویژه حق حیات و حق سلامتی) رانقض می کند، رویکرد تعارض مستلزم این امر است که حقوق بشر اولویت و تفوق نسبت به حقوق ناشی از ثبت اختراع دارد. مکانیسم های مختلفی برای رخ دادن این «اولویت یافتن» وجود دارد. یکی از راه کار ها این است: چون حقوق بشر حق هایی جهان شمول، ذاتی و غیر قابل سلب هستند که انسان به خاطر انسان بودنشان بایستی به صورت برابر از آنها بهره مند گردند (Donnelly, 1989: 9)، در حالات که تعارض آشکار بین حقوق بشر و حقوق ناشی از ثبت اختراع ایجاد میگردد، به اعمال استثنائات و محدودیت ها در قوانین ملی این تعارض را کنار گذاشت. (Sun, 2003) یکی از نویسندگان اشاره میکند: «حقوق مالکیت فکری باید در مواقع ضروری برای حفاظت از بهداشت عمومی و به میزان لازم برای تضمین رفاه عمومی محدود شود» (Lazzarini, 2003: 123).

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به به طور ضمنی تعهدات حقوق بشری دولت ها را در قلمرو حق دسترسی به دارو چنین بر شمرده است: ۱. دولت ها نباید با اقدامات خود منجر به نقض حق دسترسی به دارو در دیگر کشو ها شوند و یا با اعمال فشار بر دیگر دولت های عضو منجر به تصویب قوانینی شوند که حق دسترسی به دارو را با موانعی مواجه کند. از آنجا که اعطای حق انحصاری ناشی از ثبت اختراع در کشور های در حال توسعه و کمتر توسعه یافته دارای چنین آثاری است. کشور های دیگر باید از هر گونه اعمال فشار بر کشورهای در حال توسعه که در صدد استفاده از انعطاف پذیری موافقتنامه تریپس می باشند، خودداری کنند؛ ۲. دولت ها باید از نقض این حق توسط طرف های ثالث در دیگر کشو ها ممانعت به عمل آورند؛ ۳. دولت ها باید به دیگر



دولت ها نیز کمک نماید که آنها بتوانند با تکیه بر منابع و امکانات در دسترس خود و بسته به شرایط خود از عهده افاء تعهدات حقوق بشری برآیند (فاطمی نژاد، ۱۳۹۷: ۴۴۷-۴۴۹).

در این راستا ذکر این نکته ضروری است که توافقنامه تریپس دارای انعطاف پذیری های خاصی است که کشورها می توانند از آن برای تسهیل دسترسی به داروهای مقرون به صرفه و رسیدگی به چالش های بهداشتی در کشورهای خود استفاده کنند. این انعطاف پذیری ها عبارتند از: آزادی حذف اشکال جدید داروهای شناخته شده که سلامت را به خطر می اندازد از محدوده حمایت از حقوق ناشی از ثبت اختراع (De Carvalho, 2002: 168)، آزادی اتخاذ اصل بین المللی زوال حق ناشی از ثبت اختراع برای تسهیل واردات موازی دارو (ماده ۶)، معافیت بررسی نظارتی برای تولیدکنندگان داروهای ژنریک، تحقیقات علمی و مجوزهای اجباری (ماده ۳۱)، و جدا کردن اعطای مجوز بازاریابی برای داروهای ژنریک از وضعیت ثبت اختراع داروهای مارک دار (Kolawole Oke, 2022: 7).

اعلامیه دوحه تاکید بر این امر دارد که اعضای سازمان تجارت جهانی میتوانند از انعطاف پذیری های پیش بینی شده در موافقتنامه تریپس جهت انجام تعهدات حقوق بشری در زمینه حق دسترسی به دارو استفاده نمایند. اعلامیه دوحه این امکان را فراهم میکند که مقررات مربوط به گونه ای تفسیر شوند که حامی حق کشورها به حفظ حق بر سلامت و ارتقای دستیابی به داروهای اساسی به قیمت ارزان برای همه باشند. با وجود اینکه اعلامیه دوحه را میتوان به عنوان یک پیشرفت در تعارض میان موافقتنامه تریپس و حق بر سلامت دانست. اما این اعلامیه جایگاه حق دسترسی به دارو را در سیستم سازمان تجارت جهانی تبیین ننموده است. با این وجود این اعلامیه به دلیل تبیین برخی از ابهامات در تفسیر موافقتنامه تریپس، حائز اهمیت می باشد.

۱-۲- تعامل حق اختراع با حقوق بشر

حقوق بشر و حق ثبت اختراع دو حوزه مجزا از هم است، اما هدف هر دو به طور کلی افزایش رفاه انسان است. به اساس این رویکرد حق ثبت اختراع و حقوق بشر نه تنها در تضاد نیستند، بلکه رابطه این دو را تکمیلی و در یک رابطه حمایتی متقابل هستند که هم نوآوری و هم دسترسی معنادار به فناوری ها را ترویج و تشویق میکنند. همانطوری که هلفر اشاره میکند حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر یک نگرانی مشترک دارند و آن این است که: «تبیین مناسب دامنه حق انحصاری مخترعان و نویسندگان برای حفظ انگیزه جهت نوآوری، در حالیکه اطمینان حاصل شود که عموم مردم به ثمره تلاش آنها دسترسی کامل دارند» (Gold, 2012:5).



این دیدگاه که توسط برخی از سازمان های بین المللی حمایت از مالکیت فکری و محققان پذیرفته شده است. طرفداران رویکرد تعامل قوانین حقوق بشر و نظام حمایت از حق اختراع را اساسا در تئوری با هم سازگار می دانند، در مواردی در عمل، در مورد محل دقیق ایجاد تعادل بین انگیزه های نو آوری از یک سو و دسترسی از سوی دیگر اختلاف نظر دارند. سازمان جهانی مالکیت فکر تعارض میان حق ثبت اختراع و حقوق بشر را فقط در لایه سطحی و ظاهری امور میداند و تاکید دارد که در پس این لایه، موازنه و آشتی برقرار است. و نظام حمایت حق اختراع از دیدگاه سازمان جهانی مالکیت فکری، توان و تاب حل این تعارض ها را داد، و حل تنش ها و برقراری موازنه ها امر نا آشنا براین این نظام نیست (مجنده، ۱۳۹۴: ۵۰).

به اعتقاد طرفداران این رویکرد، حق ثبت اختراع و حق بر سلامت هر دو از حقوق اساسی و اولیه بشر است، نباید هیچ کدام این دو حق بر نفع دیگری از بین برود، بلکه باید تلاش کرد بین این دو تعامل سازنده برقرار کرد. حق اختراع پیش شرط تحقق کامل حق بر سلامت است و حق بر سلامتی، در جوامع بر خوردار از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی معنا پیدا میکند. حق اختراع از اجزای اصلی چنین توسعه ای میباشد، بدون خلاقیت، نوآوری و اختراع، توسعه فناوری و اقتصادی تحقق نمی یابد (همان، ص ۴۰۴). از آنجا که تحقیق و توسعه دارو های جدید، نیازمند طی کردن مسیر طولانی و صرف هزینه ای سنگین و زمان زیاد است. طبیعت سوداگرانه حمایت از حق اختراع علیرغم افزایش انگیزه های لازم برای تحقیقات پزشکی، ولی با توجه به در نظر گرفتن حق عدم جواز دخول رقبا در محل بازار برای مدت محدود، به این معناست که حقوق ناشی از ثبت اختراع باعث ایجاد انگیزه برای پژوهش های پزشکی در درمان های دارویی و سودآور خواهد بود (فاطمی نژاد، ۱۳۹۷: ۴۹۶). افزون بر این، استفاده از دانش فنی به عنوان پیش شرط تحقق حق بر غذا شناخته شده است، بنا میتوان گفت که دولت به دنبال تسهیل، توسعه و استفاده از این دانش توسط بخش خصوصی^۱ با اعطای حق اختراع و حمایت از انواع گیاهان است، و لزوما مغایرت با تعهدات حقوق بشری دولت ندارد (Haugen, 2007: 113).

طرفداران این رویکرد با وجود تفاوت های نظری بر این موارد اتفاق نظر دارند: ۱. بر خلاف رویکرد تعارض، می پذیرند که حقوق بشر و حقوق ناشی از ثبت اختراع دو حوزه مجزا از هم هستند که نمی توانند مستقیما یکدیگر را تعدیل کنند؛ ۲. فرض بر این است که حقوق بشر و حقوق ناشی از ثبت اختراع هر دو به دنبال به حد اکثر رساندن رفاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند، در

¹ Private Sectors.



نتیجه جویای بینش های هستند که ممکن است در توسعه سیاست های پیرامون دیگری مفید باشند؛ ۳. این بینش ها می توانند به بهترین وجه در سطح بین المللی برای توسعه استراتژی ها و درک مشترک جهانی در باره نحوه بهتر اجرای نظام حق اختراع مورد استفاده قرار گیرند (Gold, 2012:5).

۱-۳- حق اختراع به عنوان حق بشری

رویکرد سومی در رابطه بین حقوق ناشی از ثبت اختراع و حقوق بشر این است که حق ثبت اختراع و سایر حقوق مالکیت فکری را به عنوان حق بشری در نظر بگیریم. رویکرد حقوق بشری به حق ثبت اختراع به جای وارد کردن ملاحظات حقوق بشری بر نظام ثبت اختراع چنانچه که توسط طرفداران رویکرد تعارض مطرح میگردد، این رویکرد دیدگاه معکوس آنرا مطرح نموده و حقوق ناشی از ثبت اختراع را در تحلیل های حقوق بشر یکسان میکند. این رویکرد به جای تلقی کردن حقوق بشر و حقوق ناشی از ثبت اختراع به عنوان دو حوزه متمایز و متضاد، حقوق ناشی از ثبت اختراع را بخشی از نظام حقوق بشر می داند.

طرفداران این رویکرد، حقوق ناشی از ثبت اختراع را بر مبنای حقوق بشر استوار میدانند و لذا با این رویکرد بین این دو تعارضی وجود ندارد، مالکیت بر حق ثبت اختراع بر اساس مبانی حقوق بشری حق مسلم بشری و غیر قابل تفکیک از سائری حقوق می باشد که بر اساس اسناد بین المللی حقوق بشر محترم شمرده می شود. طرفداران این رویکرد با استناد به بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مفاد مشابه در سایر اسناد حقوق بشری، حق اختراع و سایر حقوق مالکیت فکری را حق بشری میدانند. قسمت (ب) بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حق بهره مندی از پیشرفت علمی را برای همه انسان ها در نظر گرفته است. و در قسمت (ج) از بند یک ماده ۱ این ماده به شناسایی حقی می پردازد که به حقوق مالکیت فکری معروف است. قسمت (ج) این بند خیلی شبیه بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر است (Helfer, Austin, 2011:178). می توان شناسایی کننده حقوق مالکیت فکری از جمله حق ثبت اختراع به عنوان حق بشری محسوب داشت.

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به عنوان مجموعه از حد اقل تضمین های اجتماعی و سیاسی که توسط جامعه بین الملل به عنوان ضروریات یک زندگی شرافتمندانه در جهان معاصر به رسمیت شناخته شده است (Gold, 2012:4). در این ماده به طور خاص بیان می کند که هر کس حق « بهره مند شدن از حمایت منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی یا هنری را



دارد که آفریننده آن است». هرچند اعلامیه حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از اصطلاح حقوق مالکیت فکری استفاده نمیکنند، اما برخی ها (مجنده، ۱۳۹۴: ۱۲۲) عدم استفاده آن را متداول نبودن آن به هنگام تدوین این اسناد حقوق بشری دانسته اند. بر این اساس میتوان گفت با وجود عدم استفاده از اصطلاح حقوق مالکیت فکری، برداشت تدوین کننده گان میثاق حاکی از مشمولیت دست کم دو موضوع محوری مالکیت فکری، یعنی حقوق مولف و حق ثبت اختراع در محتوای این ماده دارد.

بخش (ج) بند ۱ ماده ۱۵ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، آنچه دولت ها به حمایت از آن موظف شده اند، حق «هرشخص» به منافع اخلاقی و مادی ناشی از تولید علمی، ادبی و هنری می باشد که آفریننده آن هستند، واژه «Author» که در آثار فارسی به معنای نویسنده و مولف ترجمه شده است، (صدر آبادی، فاتح، ۱۴۰۰، ص ۱۹) را به کار برده است. در نظریه تفسیری شماره ۱۷ کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی واژه «Author» را در مفهوم گسترده «Creator» که در فارسی به معنای آفریننده، خالق، مبدع و پدید آورنده است، به کار برده است (Gordon, Wendy, 2013: 160)، شامل مخترع هم میگردد. به اعتقاد طرفداران این رویکرد، ماده ۱۵ میثاق از عبارت «آفریننده» برای خالق تولیدات علمی، ادبی و هنری استفاده کرده است. آفریننده شامل هر شخص است که در پیدایش تولید علمی، ادبی و هنری سهمیم شده و مشارکت داشته است، این امر ناشی از کرامت و ارزش ذاتی نوع بشر است (ibid).

۲- مبانی حقوق بشری حق اختراع

در ادبیات حقوقی مالکیت فکری زمانیکه صحبت از مبانی میشود، مبین چرایی و فلسفه حمایتی این حقوق میباشد. شناخت مبانی هر قاعده حقوقی زمینه استنتاج مطلوب احکام کاربردی را فراهم می سازد و باعث فهم ماهیت احکام، ساختار و شرایط حمایت از آن قاعده می گردد. مبانی نقش مهم در شناخت وضعیت موجود و پیش بینی وضعیت مطلوب و مورد نظر دارد.

از نیمه های قرن نوزدهم به بعد تئوری های متعددی برای توجیه مبانی حقوقی ناشی از ثبت اختراع مطرح گردیده است که هنوز هم این تئوری ها طرفداران و منتقدان خود را دارند. علی رغم تعارضی بین حقوق بشر و حقوق ناشی از ثبت اختراع از سوی طرفداران «رویکرد تعارض» مطرح گردیده است، برخی مبانی حق اختراع را در حقوق بشر جستجو میکنند و آنرا بر طبق بند دوم ماده بیست و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر و مفاد ماده پانزدهم میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توجیه میکنند. بر اساس مفاد این دو ماده، مالکیت هر شخص بر خلاقیت های



فکری و منافع مادی و معنوی حاصل از تولیدهای علمی ادبی و هنری به رسمیت شناخته شده است. تولید علمی در معنای موسع همه مصادیق مالکیت فکری بخصوص اختراعات اعم از فرایند و فرآورده را شامل می‌گردد (ارجمند & مجنده، ۱۳۸۴: ۱۳). بنا بر این حمایت از حقوق آفرینندگان، یک حق بشری است و دولت‌ها ملزم به حمایت از دارندگان آن است. بر اساس مبانی حقوق بشری، حق اختراع یک حق مسلم بشری و غیر قابل تفکیک از سایر حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری است و باید محترم شمرده شود. با فرض وجود تعارض بین حق اختراع و برخی جنبه‌های حقوق بشر مثل حق بر سلامت، این تعارض ظاهری بوده و در نظام بین المللی حقوق مالکیت فکری، مکانیزم‌های برای رفع و پاسخگوی به نگرانی‌های حقوق بشری طراحی شده است (Weissbrodt and Schoff, 2003: 8-12).

امروزه در تئوری حق‌ها پذیرفته شده است که وجود و اعمال برخی حق‌ها مستلزم وجود حق‌های دیگری است (Shue, 1980:85). از این لحاظ حق اختراع با برخی از جنبه‌های حقوق بشر ارتباط مستقیم دارند، نظام حق اختراع با تشویق به نوآوری و ایجاد انگیزه برای محققان و مخترعان، نقش مهمی در فراهم کردن زمینه برخورداری از حق بر سلامتی و حق بر غذا را به وجود می‌آورد (حبیبی مجنده، ۱۳۹۴: ۴۰۴). میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بند ۲ (a) ماده ۱۱ دولت‌های عضو را موظف به «اتخاذ برنامه‌های مشخص جهت بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خوار و بار با استفاده کامل از از معلومات فنی و علمی، میکند». یک توافق کلی وجود دارد که بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع غذا نشان دهنده اهداف است، در حالی که «استفاده کامل از دانش فنی و علمی» نمونه از یک اقدام است (Haugen, 2007: 109). از این جهت، استفاده کامل از دانش فنی و علمی که به عنوان اقدامی در رابطه به تحقق حق بر غذا شناخته می‌شود می‌تواند دلالت بر این باشد که دولت به دنبال توسعه و استفاده از این دانش توسط بازیگران خصوصی است. چنین تسهیلاتی، از جمله از طریق ثبت اختراع و اعطای حقوق انحصاری به مخترع، لزوماً مغایر با تعهدات حقوق بشری دولت نیست. در عین حال دولت باید اطمینان حاصل کند که افراد کم درآمد جامعه در نتیجه اجرای چنین مشوق‌های در وضعیت بدتر قرار نگیرند. با توجه به آنچه که بیان شد، حق اختراع پیش شرط تحقق کامل حق بر سلامتی و حق بر غذا است. به سخن دیگر، اگر بپذیریم که نقش حق اختراع نسبت به حق بر سلامت و حق بر غذا، نقش مقدمه ضروری است، می‌توان ضرورت تضمین حق ثبت اختراع را در چارچوب ادبیات سنتی اصول فقهی، در قالب بحث مقدمه واجب توضیح داد. از آنجا که وجوب مقدمه ناشی از وجوب ذی المقدمه است و در نتیجه مبانی توجیهی حق بر سلامت و حق بر غذا، ضرورت حق تضمین حق



اختراع را نیز توجیه کرده و پوشش خواهد داد. در نتیجه میتوان گفت حق اختراع، ابزاری برای ارتقا و حمایت از حقوق بشر است. بر این منظور باید مورد حمایت قرار گیرد.

تعامل حق اختراع و حقوق بشر در اسناد حقوق بشری مطرح شده است، اما تداخل این دو از لحاظ مباحث نظری سابقه طولانی نداشته و به تازگی در حوزه حقوق مالکیت فکری مطرح شده است (Yu, 2019: 10). طرفداران مکتب حقوق بشری حق اختراع در توجیه الزامات حقوق بشری و حقوق عمومی نظام حق اختراع نظریات متعدد مطرح کرده اند که در ادامه به آن میپردازیم.

۲-۱- مالکیت ناشی از کار و انطباق آن با حق اختراع

بر اساس این نظریه هر شخص که خالق آثار فکری است از حق طبیعی و بشری مالکیت بر آثار فکری خود بهره می برد. از آنجا که کار مستلزم تحمل سختی و مشقت است، از این رو باید به کسی که کار را انجام میدهد پاداش مناسب داد و بهترین پاداش برخورداری از حق مالکیت است (خدمتگزار، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بنا بر این، هر شخص بر ثمرات تلاش و کوشش خود حق مالکیت طبیعی دارد و دولت ملزم است بر این حق طبیعی احترام گذاشته و آن را تنفیذ و اجرا کند» (Fisher, 2020: 2). نظریه کار برای نخستین بار از سوی جان لاک برای توجیه مالکیت اموال مادی مطرح شد، برخی با استناد به نظریه طبیعی و نظریه کار در صدد تقویت حق پدیدآورندگان شدند، اولین شخص که نظریه کار را در دفاع از حق پدیدآورندگان به کار برده لوئیس دو هری کور است. جان لاک دو گونه به کار نگاه کرده است؛ یک جا بر ارزش افزوده تاکید دارد و در دیگر مورد به رنج و مشقت اشاره می کند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۲۱). بر طبق یک تفسیر، کار ماهیتاً رنج آور است و عنصر رنج و مشقت عنصر کلیدی مالکیت از طریق کار است، از آنجا که مخترع با پشت کار و تلاش شبانه روزی فرایند یا فراورده ای را اختراع میکند مستحق پاداش است.

تفسیری دیگری که از دیدگاه لاک پیرامون کار شده است، نظریه ارزش افزوده است. بر اساس این دیدگاه وقتی انجام دهنده کار، ارزشی را برای دیگران تولید میکند، در ازای آن مستحق دریافت پاداش است. از این چشم انداز، کار به لحاظ اجتماعی وقتی دارای ارزش تلقی میشود و اجتماع خود را موظف به دادن پاداش میداند، که ارزشی به اجتماع افزوده شود. در نتیجه، کار فکری زمانی به عنوان مال دارای اعتبار است که ارزشی را بر جامعه افزوده باشد. به همین دلیل نظام بین المللی حق اختراع به جنبه سودمندی آن تاکید ورزیده اند، چنانچه در ماده ۲۷ توافقنامه تریپس آمده است: «حق ثبت برای هرگونه اختراعی اعم از فرآورده ها یا فرایندها، در تمام رشته های تکنولوژی وجود دارد. مشروط بر این که اختراعات، جدید و متضمن گامی ابداعی بوده و دارای کاربرد صنعتی



باشد». ثبت و برخورداری از حق ثبت بدون تبعیض از لحاظ محل اختراع، رشته فناوری و این که محصولات وارد شده اند یا در محل تولید شده اند وجود خواهد داشت. همچنین با توجه به عنصر ارزش، نظام های حقوق میتواند از ثبت اختراعات که ناقض نظم عمومی و اخلاق حسنه و یا مخالف به حفظ حیات یا سلامت انسان، حیوان یا مضر به محیط زیست خود داری کنند. چون این اختراعات از دید اجتماعی فاقد ارزش است. حق ثبت اختراع بر مبنای نظریه ای جان لاک با هر یک از تفاسیر که مطرح شد امکان پذیر است، مشروط بر آن که تلاش فکری انجام شده را کار بدانیم.

۲-۲- نظریه شخصیت و انطباق آن با حق اختراع

نظریه دیگری که بر مبنای آن نظام حق اختراع را را توجیه میکنند «نظریه شخصیت» است. بر عقیده ی دانشمندان روان شناس مهم ترین نیازی که به وسیله ی مالکیت برآورده می شود میل انسان به کسب وجهه و اعتبار است (خدمت گزار، ۱۳۹۰: ۲۲۱). بر خلاف نظریه قبلی، این مبنا به شخصیت انسان و ارتباط آن با آفرینش های فکری می پردازد. مبنای این نظریه، توسعه و شگوفای شخصیت است. بنا حقوق مالکیت خصوصی برای برآورده کردن پاره ای نیاز های بنیادین انسان ضروری است. از این رو سیاست گذاران استحقاق بر منابع را طوری تنظیم کنند که به بهترین وجه مردم را به تامین این نیاز ها قادر سازند (Fisher, 2020:19). فریدریش هگل و امانوئل کانت بنیانگذاران این نظریه هستند. هگل مالکیت را عینیت یافتن شخصیت و مرحله ای از کمال انسان تلقی میکند (حکمت نیا، ۱۳۸۷: ۲۸۳). بنا به نظر هگل معقول بودن مالکیت، فقط بخاطر برآورده کردن نیاز های مادی انسان نیست، بلکه به خاطر آن است که جایگزین جنبه ذهنی شخصیت می شود (خدمت گزار، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

این رویکرد مبنای حقوق ناشی از ثبت اختراع را در ارتباط بین شخصیت مخترع و حق مالکیت بر فرایند یا فراورده وی میدانند. به عبارت دیگر این رویکرد آفرینش های فکری و مالکیت را لازمه و بیانگرد شخصیت میدانند. بر اساس نظریه هگل دانش، معرفت و استعداد صفات درونی انسان هستند که با اراده شکل بیرونی میگردند. از این نقطه نظر فردی (خود) نوعی از ملک است، تفاوت ملک درونی با ملک بیرونی فرد این است که ملک بیرونی قابل انتقال به غیر است. در حالی که ملک بیرونی چنین نیست (همان: ۱۱۴). و شخصیت نوعی مال درونی است، از نظر او مالکیت با حمایت از شخص و اموال خارجی بر شخصیت انتزاعی فرد عینیت می بخشد.



موضوع مالکیت در نظریه هگل «شی بیرونی» و بدون اراده است، حال آیا آفرینش های فکری می تواند شی بیرونی تلقی گردد. هگل در بخش از نوشته های خود به این چنین پاسخ میدهد: «آفرینش های فکری، هنر ها، حتی مراسم مذهبی (مانند خطبه ها، آیین عشای ربانی^۱، دعاها و موقوفات)، اختراعات و موارد از این دست، که موضوع قرارداد قرار میگیرند، در شیوه ای که ضمن آن این امر خرید و فروش می شوند یا به نحوی با آن معامله صورت میگیرد، این امور شبیه با چیزهای که به عنوان شی شناخته شده اند رفتار می شود» (Hegel, 2003:74). از دید هگل دستاورد های علمی دارای ارزش مالی بوده و موضوع معاملات قرار میگیرند، لذا دولت بدون ملاحظات سود و زیان حاصله از اختراع باید از ابداعات مخترعان حمایت کند. بر اساس این نظریه، چون ابداعات بر گرفته از شخصیت درونی فرد می باشد که در قالب اراده نماد بیرونی گرفته باید از حق اختراع حمایت شود و دولت مکلف است از طریق بانوگذاری و اجرا از آن حمایت کند. به اساس این رویکرد دولت از اختراعات صرف نظر از کارآمدی آن حمایت میکند و در نظام اختراع حمایت فردی بر سیاست های عمومی اولویت خواهد داشت.



^۱ آیین عشای ربانی که معمولاً به مراسم عشای ربانی به آن گفته میشود، یکی از هفت آیین مقدس مسیحیت معروف به هفت راز است.



نتیجه گیری

با مذاقه در نوشتا حاضر بر این نتیجه می رسیم که حمایت از اختراعات تنها به دلیل تجارتي و اقتصادي نبوده بلکه با مباني حقوق بشري هم قابل توجه است. علي رغم انتقادات که مبني بر تضعيف برخي از جنبه هاي حقوق بشر توسط حق اختراع مطرح گرديده است، حقوق ناشي از ثبت اختراع با ايجاد انگيزه براي محققين و مخترعان باعث توسعه فن آوري و نوآوري هاي جديد ميگردد که نقش مهم در بر خورداري از حق بر سلامت و حق بر غذا دارد. افزون بر اين حق اختراع ريشه در حق مالکيت به عنوان يکي از مصاديق حقوق بشر دارد. اختراعات آفريده هاي ذهن انسان است که توسط قانون حمايت ميشود و متعلق به شخصي است که آنها را ايجاد کرده است. مبناي حقوق بشري حق اختراع به بر اين ايده استوار است که مخترع حق طبيعي نسبت به ثمره کار خورد دارد و اين حق بايد توسط قانون حمايت گردد. اين حق در اعلاميه جهاني حقوق بشر و ميثاق بين المللي حقوق اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي به رسميت شناخته شده است.



منابع

- ۱- امیرارجمند، اردشیر، و حبیبی مجنده، محمد. (۱۳۸۴). جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین المللی حقوق بشر. نامه مفید، ۱۱(۵۲) (نامه حقوقی)، ۳-۲۴.
- ۲- حاجی زاده، سارا، کوشا، ابوطالب، & صادقی، حسین. (۱۴۰۱). مبنای حقوق بشری استثنائات حمایت از آثار ادبی و هنری. تحقیقات حقوقی بین المللی، ۱۵(۵۵)، ۲۵-۴۲.
- ۳- حکمت نیا، محمودف (۱۳۸۷). مبنای مالکیت فکری، چاپ دوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۴- خدمتگزار، محسن (۱۳۹۰). فلسفه مالکیت فکری، تهران: نشر میزان.
- ۵- شیخی، مریم. (۱۳۸۵). چالش های حقوق مالکیت فکری در حوزه سلامت. رفاه اجتماعی، ۵(۲۰)، ۸۲-۶۱.
- ۶- صدرآبادی، ایرج حسینی؛ فاتح، علی، (۱۴۰۰). فرهنگ تخصصی حقوق تجارت بین الملل، تهران: نشر میزان.
- ۷- فاطمی نژاد، سید صلاح الدین (۱۳۹۷). سازمان جهانی تجارت و حقوق بین الملل بشر، تهران: نشر میزان.
- ۸- قاری سید فاطمی، سید محمد. (۱۳۸۱). مبنای توجیهی - اخلاقی حقوق بشر معاصر. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۵(۳۵ و ۳۶): ۱۱۱-۱۹۲.
- ۹- مجنده حبیبی، محمد (۱۳۹۴). حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر: تعامل ها و تعارض ها، تهران: انتشارات دانشگاه مفید.

10- Carvalho, N.P.D., 2002. The TRIPS Regime of Patent Rights, the Netherlands: Kluwer Law International .

11- David Weissbrodt and Kell Schoff, Human Rights Approach to Intellectual Property Protection: The Genesis and Application of Sub-Commission Resolution 2000/7, 5 MINN. INTELL. PROP. REV. 1.(2003)



12- Donnelly, J., 1989, the Concept of Human Rights, New York: Croom Helm Ltd .

13- Drahos, P and Braithwaite, J., 2002. Information Feudalism: Who Owns the Knowledge Economy?, London: Earthscan.

14- Grosheide. W., 2010. Intellectual Property and Human Rights: A Paradox, UK: Edward Elgar Ltd.

15- G.W.E Hegel., 2003, Elements of the philosophy of right; edited by Allen W. Wood; translated by H. B. Nisbet, 8th edi, United Kingdom: Cambridge University Press.

16- Gold, E. Richard, Patents and Human Rights: A Heterodox Analysis (August 1, 2012). Journal of Law, Medicine and Ethics, Vol. 41, No. 1, 2013 .

17- Gordon, Wendy J., Current Patent Laws Cannot Claim the Backing of Human Rights (August 29, 2013). Chapter 9 in Intellectual Property and Human Rights: A Paradox, ed. by Willem Grosheide (Edward Elgar Ltd., 2010) , Boston Univ. School of Law, Public Law Research Paper No. 13-43.

18- Haochen Sun, A Wider Access to patented Drugs under the TRIPS Agreement, Boston University International Law Journal 21(2003): 101-136.

19- Haugen, Hans Morten, Patent Rights and Human Rights: Exploring Their Relationships (April 29, 2007). Journal of World Intellectual Property, Vol. 10, No. 2, pp. 97-124, 2007.

20- Helfer, L.R; Austin, G.W., 2011. Human Rights and Intellectual Property Rights: Mapping the Goblal interface, United State of America: Cmbridge University Press .

21- Khobrgade, J., Interface Between Human Rights and Intellectual Property Rights with special Reference to Patent Regime and Rights to Health in India, JIPR, Vol 25, No6(2020): 204-214.

22- Kolawole Oke, E., 2022. Patent, Human Rights, and Access to Medicines, 1st, United Kingdom: Cambridge University Press .



23- Peter K. Yu, Intellectual Property and Human Rights 2.0, 53 U. Rich. L. Rev. 1375 (۲۰۱۹).

24- Sarah Joseph, 'Trade and the Right to Health', in Andrew Clapham and Mary Robinson (eds.), Realizing the Right to Health, Swiss Human Rights Book Series, Vol. 3 (Ruffer & Rub, 2009), 360.

25- Shue, H., 1980. Basic Rights: Subsistence, Affluence, and U.S. Foreign Policy, United Kingdom: Princeton University Press.

26- United Nations (2000)E/CN.4/Sub.2/RES/2000/7: Sub-Commission on the promotion and Protection of Human Rights, Intellectual Property and Human Rights.

27- William Fisher., 2020. Theories of Intellectual Property, available at : <https://cyber.harvard.edu/people/tfisher/iptheory.pdf>

28- Zita Lazzaini, Making Access to Pharmaceutical a Reality: legal Options Under TRIPS and the case of Brazil, Yale Human Rights and Development Law Journal, Vol 6(2003) : 103-138.



Human rights analysis of the patent

Mir Ahmad Parsamanesh¹

Article code: JHVMN-2407-1227

Abstract

Legal systems grant exclusive rights to inventors in exchange for complete disclosure of their inventions for a specified period. This empowers inventors with exclusive control over their creations, enabling them to prevent unauthorized copying, manufacturing, selling, importing, or offering for sale of their inventions. The grant of exclusive rights to inventors is not only based on economic and commercial value but is also justified on the principles of human rights. The human rights underpinnings of patent rights constitute a complex and multifaceted area of discourse. On one hand, the patent system is viewed as an incentive mechanism that fosters innovation and propels economic growth. Conversely, it can also be perceived as an impediment to the realization of certain human rights. Whereas human rights and patent both seek to maximize social, economic, and political well-being. Therefore, this paper explores the complex relationship between patent and human rights. The findings are that human rights are relevant to consider in patent rights. There is no disagreement that patent are tools that shall serve the interests of society. Human rights protect fundamental values and societal interests.

keywords: human rights, innovation, right to health, right to property.

¹ PhD student in private law, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
m.parsamanush@modares.ac.ir

